

# نهضت ترجمه و انتقال علوم بیگانه در قرن

## دوم و سوم هجری



خلفا و وزیران ایشان و امرای مسلمین با بذل اموال فراوان ، آنها را در این کار تشویق می کردند ، و آنانرا با حقوق و مزایای کافی به انجام آن امر مهم وامی داشتند .

### مترجمان علوم بیگانه :

بیشتر مترجمان علوم بیگانه که زیر نظر مقامات اسلامی به این کار پرداختند ، سریانی های نسطوری از مردم سوریه بودند. ابن ندیم در کتاب «فهرست» به تفصیل ، از ایشان و سایرین نام برده و کار آنها را شرح داده است . در اینجا ما اسامی آنها را به ترتیب اهمیت که داشته اند ، به نقل از جرجی زیدان در «آداب اللغة العربیة» نقل می کنیم :

« یکی از مترجمان علوم بیگانه « بختیشوع » از دودمان « جرجیس بن بختیشوع » نسطوری ، طیب

انتقال و ترجمه علوم و فنون بیگانه به عالم اسلامی ، از نیمه دوم قرن دوم هجری مقارن حکومت منصور ، خلیفه عباسی آغاز شد . منصور دو انقی بیش از همه به طب و نجوم اهتمام داشت پس از منصور ، یعنی زمان مهدی و هادی پسران وی و نوه اش هارون الرشید . مسلمانان کمتر به این کار توجه نمودند . فقط کتاب «مجسطی» در نجوم بود که در زمان هارون به عربی ترجمه شد .

در عصر مأمون که خود دوستدار علم بود ، اهتمام اساسی نسبت به این کار بعمل آمد ، و دانشمندان ملل مختلف به انتقال و ترجمه کتب فلسفه و منطق و سایر علوم بیگانه همت گماشتند .

ناقلان و مترجمان نیز از مردم سوریه ، عراق ، ایران و هند بودند ، که البته سهم سوری های بیشتر بود .

به عربی برگرداندند « منکه » هندی بود که در شمار اصحاب اسحاق بن سلیمان بن علی هاشمی بشمار می‌رفته، و « ابن دهن » هندی متصدی بیمارستان برامکه

**از زبان نبطی ( کلدانی ) ابن وحشیه کتب بسیاری را ترجمه کرد :** که از همه مهمتر کتساب کشاورزی نبطی (الفلاحة النبطية) است (۱) این عده کسانی بودند که رسماً از طرف خلفا به کار ترجمه و انتقال علوم پرداختند، و کار آنها جنبه دولتی داشت و رسمی بودند .

طبقه دیگری که از پیش خود اقدام به ترجمه و انتقال علوم نمودند، از همه مشهورتر اولاد موسی بن شاکر یعنی محمد و احمد و حسن بودند . موسی بن شاکر از مصاحبان مأمون بود و مأمون احترام او را با احترام به فرزندانش حفظ می‌کرد .

اولاد شاکر بکار ترجمه علوم درهندسه و نجوم و طبیعیات و مکانیک و غیره اشتغال ورزیدند ، و برای جمع آوری کتب قدیم از شهرهای روم مشقت‌ها کشیدند ، و مترجمان را با بادل مال بسیار برای ترجمه کتابهای علمی دعوت می‌نمودند .

دیگر محمد بن عبدالملک زیات و وزیر معتصم بود که شخصاً هزینه زیادی در راه ترجمه علوم صرف کرد .

دیگر علی بن یحیی معروف به «ابن منجم» و محمد بن موسی بن عبدالملک ، و ابراهیم بن محمد بن موسی کاتب و غیره بودند . (۲)

**خواننده محترم !** بطوری که در پایان همین

منصور بود . همچنین اولاد « حنین » از خاندان «حنین بن اسحاق» از نصاری «حیره» و «حیش» - اعسم» دمشقی خواهرزاده حنین، و « قسطن بن لوقا » بعلبکی از نصاری شام ، و فرزندان « ماسرجویه » یهودی سریانی، و اولاد « کرخی » و اولاد « ثابت » حرانی که از صابان بودند .

دیگر حجاج بن مطر، و ابن ناعمه حمصی ، و یوحنا بن ماسویه ، و اسطفان بن باسیل، و موسی بن خالد، و سرجیس الراسی، و یوحنا بن بختیشوع غیر از اولاد بختیشوع سابق الذکر، و بطریق و یحیی بن بطریق، و ابو عثمان دمشقی، و بشر بن متی بن یونس و یحیی بن عدی اینها مشهورترین کسانی بودند که علوم را از یونانی و سریانی به عربی ترجمه کردند .

**کسانی که از زبان فارسی ترجمه نمودند :** عبدالله بن مقفع و اولاد نوبخت است ، بزرگ آنها نوبخت و پسرش فضل بن نوبخت در خدمت داود بن عبدالله بن حمید بن قحطبه بودند ، و برای او علوم را از فارسی به عربی ترجمه کردند .

دیگر ابو الحسن علی بن زیاد تهیمی است که کتاب «زیج شهریار» را به عربی ترجمه کرد، و اسحاق بن سهل از منجمان و احمد بن یحیی بلاذری، و جبلة بن سالم کاتب هشام ، و اسحاق بن یزید که «اختیارنامه» را بنام «سیره القوس» ترجمه کرد، و محمد بن جهم برمکی، و هشام بن قاسم، و موسی بن - قاسم ، و موسی بن عیسی کردی ، و عمر بن فرخان و غیره است .

**از کسانی که علوم را از زبان هندی سانسکریت**

۱ - آداب اللغة العربية ج ۲ ص ۳۳ - ۳۴

۲ - آداب اللغة العربية - ج ۲ ص ۳۶

بالغ برصدها کتاب بود. اکثر آنها از کتب یونانی ترجمه شد. بدین شرح :

- ۸ کتاب در فلسفه و ادب افلاطونی  
 ۱۹ « در منطق و فلسفه و ادب افلاطونی  
 ۱۰ « در طب بقراط  
 ۴۸ « در طب جالینوسی

بیست و چند کتاب هم در ریاضیات و نجوم از اقلیدس و ارشمیدس و آپلونیوس و همنسلاوس و بطلمیوس و ابرخس و ذیوفنطس و غیره .

کتابهای فارسی که به عربی ترجمه شد، نزدیک به بیست کتاب بود. در تاریخ و ادبیات و غیره کتابهای هندی که به عربی ترجمه گردید، سی کتاب بود که از لغات سانسکریت برگردانده شد. اکثر آنها در ریاضیات و طب و نجوم و ادب بود.

قریب بیست کتاب هم از زبان سریانی یا نبطی و چند کتاب نیز از زبان لاتینی و عبری ترجمه گردید. (۱)

### جرجی زیدان سپس می نویسد :

از ترجمه های اصلی علوم بیگانه ، جز اندکی باقی نمانده است. و آن هم بطور پراکنده در کتابخانه های اروپا موجود است. از جمله «مجسطی» تألیف بطلمیوس ترجمه حجاج بن یوسف بن مطراست که نسخه خطی آن در کتابخانه «لیدن» هلند موجود است. کتاب «السیاسة فی تدبیر الریاسة» ترجمه یوحنا بن بطریق از جمله آنهاست که نسخه ای از آن در کتابخانه های «برلن» و «منشن» و غیره است .

مقاله و مقالات آینده. خواهیم گفت، هر چند مترجمان اولیه کتب علمی و ادبی یونان و ایران و هند و روم. مسیحی و یهودی و ایرانی (مجوسی) و هندی (بت-پرست) بودند. و هر چند این کار به تشویق خلفای عباسی و امرای آن زمان انجام گرفت. ولی نباید از نظر دور داشت که این اسلام ، آزادی فکر و دانش طلبی مسلمانان بود که چنان فرصتی به ایشان داد. و چنین امکاناتی به وجود آورد .

فمنما می دانیم که چون علوم و فنون با شدت تعلق به بیگانگان داشته. و به زبان آنها بوده است؛ چاره ای جز این نبوده که از افراد بیگانه استفاده شود. ولی همینکه اینان آنها را به زبان عربی برگردانند و در اختیار مسلمانان قرار دادند ، به سرعت مورد تجزیه و تحلیل و نقض و ابرام و توسعه و تعمیم قرار گرفت و مسلمین حداکثر بهره برداری را از آن نمودند.

بعلاوه دین اسلام بود ؛ که پیروان خود را موظف می داشت علم و دانش را در هر جا که هست به چنگ آورند، و لو در چین. اقصی نقاط دنیای اسلام باشد! **جرجی زیدان** که یکفرد صاحب نظر بیگانه مسیحی است می نویسد : «آنچه قابل ملاحظه است، اینست که مسلمانان این دانشها را از لامل نامبرده ، در مدت یکقرن یا کمتر از یکقرن انتقال دادند . در حالی که رومیان توفیق نیافتند قسمتی از آنها را در چندین قرن عملی سازند !

### کتابهایی که از عربی ترجمه شد :

کتابهایی که در آن عصر به عربی ترجمه گردید

ترجمه نشود، هر چند بیشتر از زبان یونانی و فارسی و هندی ترجمه گردید.

بدینگونه مسلمانان بهترین معارف هر ملتی را اخذ کردند. اعتماد آنها در فلسفه و طب و هندسه و موسیقی و منطق و نجوم بر یونان، در نجوم و تاریخ و ادب و حکمت بر ایران، در پزشکی و داروسازی و حساب و نجوم و قصص بر هندیان، در شیمی و تشریح بر مصر. در زراعت و ستاره شناسی و سحر و طلسمات بر بربطیان و کلدانی ها بود...

بنابراین مسلمانان میراث علمی آشوری‌ها و بابلی‌ها و مصریان و ایرانیان و هندیان و یونانی‌ها را به ارث بردند، و همه آنها را بهم درآمیختند. و از آنها «علوم بیگانه» را در تمدن اسلامی پدید آوردند. سراینکه تاریخ و ادبیات ایران و هند ترجمه شد. و تاریخ و ادبیات و شعر یونانی ترجمه نگردید این بود که مترجمان خود ایرانی و هندی بودند، و اگر یونانی‌ها مستقیماً در کار ترجمه علوم خود حضور داشتند، این کارا میکردند.

سیس «جرجی زیدان» مینویسد: «مسلمانان تمدن خود را بر اساس علوم یادشده استوار ساختند. و خود چیزهایی بر آن افزودند. بیشتر ترجمه‌ها و مؤلفات مسلمین از میان رفته، و جز اندکی از آن باقی نمانده است.

**بر پایه همین مقدار بود که اروپائیان در نهضت علمی اخیرشان؛ برای تأسیس تمدن جدید خود، اعتماد نمودند، و آن علوم را به زبان‌های خود انتقال دادند (۲)**

تعدادی از ترجمه‌ها و تألیفات «قسطابن لوقا بعلبکی» از جمله رسائلی در طب و تاریخ که «بروکلن» در «تاریخ ادبیات عرب» نام برده و اشاره به محل وجود آنها کرده است، جزو اینهاست.

بازمانده پاره‌ای از ترجمه‌های «حنین بن اسحاق» مانند «المدخل فی الطب» در کتابخانه اسکوریال (اسپانیا) و «مسائل فی الطب للمتعمین» در کتابخانه «برلن» و «اجتماعات الفلاسفة» در کتابخانه «متشن» و کتاب «النوامیس» و «منطق ارسطو» تألیف «اسحاق بن حنین» موجود است. و نیز بازمانده‌ای از تألیفات یعقوب بن اسحاق، فیلسوف عرب در دسترس است که در آینده به آن اشاره میکنیم (۱)

### نقش مسلمین در اخذ و اقتباس علوم بیگانه :

چنانکه در مقاله آینده خواهیم گفت، مجموع دانشهای بشری بدینگونه در آغاز قرن سوم هجری در کنار علوم و فنون اصیل اسلامی قرار گرفت. و همگی به صورت زیربنای تمدن عظیم اسلامی در آمد، و همانها نیز مبدأ تحول اساسی تمدن مغرب زمین، و انقلاب شکوفان علمی کنونی گشت. جرجی-زیدان دانشمند کاوشگر مسیحی نقش مسلمین را در اخذ و اقتباس علوم بیگانگان بدینگونه می‌ستاید: «بطور خلاصه مسلمانان بیشتر علومی که در آن عصر معروف بود، یعنی فلسفه و پزشکی و نجوم و ریاضیات و ادبیات را که نزد ملت‌های متمدن وجود داشت، به زبان خود برگرداندند. زبان زنده‌ای نبود که چیزی از معلومات آن بوسیله مسلمانان به عربی

۱ - آداب اللغة - العربیه - ج ۲ ص ۳۶۳

۲ - آداب اللغة العربیه - ج ۲ ص ۳۶۳